

نکنه می‌پردازد که بازرس با بازرسان می‌توانند برای تشکیل مجمع عمومی عادی یا فوق‌العاده از هیأت مدیره تقاضا نمایند و هیأت مدیره مکلف است حداکثر ظرف مدت یک ماه، آگهی دعوت را منتشر کند.

حال چنانچه هیأت مدیره از اجرای وظیفه قانونی خود سرباز زند، بازرس نمی‌تواند به بهانه استتکاف هیأت مدیره، مجمع عمومی را دعوت نماید بلکه بسایستی موضوع را به وزارت تعاون منعکس نموده تا وزارت مذکور به استناد تبصره ۳ ماده ۳۳ قانون بخش تعاونی، رأساً به برگزاری مجمع عمومی عادی یا فوق‌العاده (حسب مورد) اقدام کند. البته قانونگذار در یک مورد چنین اجازه‌ای را به بازرسان شرکتها و اتحادیه‌های تعاونی اعطا نموده است و آنهم در صورت حدوث شرایط ماده ۴۲ قانون بخش تعاونی و تبصره ذیل آن می‌باشد.

در مقررات مذکور آمده است: «در صورتی که هریک از بازرسان تشخیص دهند که هیأت مدیره و یا مدیرعامل در انجام وظایف محوله مرتکب تخلفی شده و به تذکرات آنان ترتیب اثر نمی‌دهند، مکلفند از هیأت مدیره تقاضای برگزاری مجمع جهت رسیدگی به گزارش خود را بنمایند. اگر هیأت مدیره ظرف مدت یک ماه از تاریخ دریافت درخواست تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده توسط بازرس، اقدام به دعوت و برگزاری آن ننمایند، بازرس می‌تواند با اطلاع وزارت تعاون نسبت به انتشار آگهی و تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده اقدام نماید.»

شایان ذکر است که در قانون شرکت‌های تعاونی سال ۱۳۵۰ نیز حکم مشابهی در همین رابطه وضع گردیده بود. با این تفاوت که بازرس تکلیفی در مطلع نمودن وزارت تعاون و امور روستاهای وقت نداشت. در ماده ۵۸ این قانون آمده بود: «در صورتی که هریک از بازرسان ضمن انجام وظایف خود تشخیص دهد که هیأت مدیره در انجام وظایف خود مرتکب تخلفاتی شده است و عملیات آنها مخالف اساسنامه و تصمیمات مجمع عمومی و مقررات آیین‌نامه‌های مصوب می‌باشد، باید مجمع عمومی را برای

زیرا برخلاف نص صریح قانون شکل گرفته است.

درخصوص انتخاب فردی به عنوان قائم‌مقام، مدیرعامل نیز بایستی پیش‌بینی لازم در قانون شده و قانونگذار چنین سمتی را در مجموعه تشکیلات و ارکان تعاونی به رسمیت شناخته باشد. با نگاهی به قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۷۰ و قانون شرکت‌های تعاونی مصوب سال ۱۳۵۰ می‌توان به خوبی دریافت که سمت قائم‌مقامی مدیریت عامل، مبنای قانونی ندارد. اداره حقوقی دادگستری (در سال ۱۳۶۲) طی نظریه شماره ۳/۱۵۹۹۹ مورخ ۶۲/۶/۳ خود و براساس قانون سال ۱۳۵۰ اعلام داشته است: «اختیارات مجمع عمومی شرکت‌های تعاونی در حدودی است که در ماده ۳۳ قانون شرکت‌های تعاونی و مواد دیگر آن قانون پیش‌بینی شده و تعیین قائم‌مقام مدیرعامل و اساساً تعیین تشکیلات استخدامی و اداری شرکت‌های مذکور در قانون یاد شده ذکر نگردیده است تا مجمع عمومی اختیار تعیین قائم‌مقام موردنظر را در تشکیلات مربوطه داشته باشد. به علاوه مستفاد از ماده ۴۵ قانون شرکت‌های تعاونی که فقط اجازه داده است فرد واجد صلاحیتی را به عنوان مدیرعامل شرکت انتخاب نماید، این است که پیش‌بینی و تعیین قائم‌مقام برای مدیرعامل مذکور مجوز قانونی ندارد.»

■ پرسش: بازرس یکی از شرکت‌های تعاونی تولیدی خواستار پاسخگویی به این سؤال شده‌اند که آیا در صورت استتکاف هیأت مدیره از برگزاری مجمع عمومی، بازرس می‌تواند به استناد جزء (الف) از بند ۴ ماده ۱ آیین‌نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی (موضوع تبصره ۲ ماده ۳۳ قانون بخش تعاونی) و جزء (ب) از بند ۴ ماده ۲۵ اساسنامه شرکت‌های تعاونی، نسبت به انتشار آگهی دعوت مجمع عمومی اقدام نماید؟

○ پاسخ: مقرراتی که از سوی بازرس محترم این شرکت بدان اشاره شده است، در مقام تجویز انتشار آگهی دعوت توسط بازرس نمی‌باشد، بلکه صرفاً به بیان این



پرسش و پاسخ حقوقی

دکتر احمدرضا فخاری

■ پرسش: عضو هیأت مدیره یکی از شرکت‌های تعاونی سؤال نموده‌اند، آیا مجمع عمومی شرکت یا اتحادیه (که بالاترین رکن اتخاذ تصمیم در امور آنها است)، می‌تواند فرد واجد شرایطی را به عنوان قائم‌مقام مدیرعامل انتخاب نموده تا در غیاب وی به انجام وظیفه بپردازد؟

○ پاسخ: همانگونه که در شماره‌های پیشین، بارها مورد اشاره قرار گرفت، ایجاد هر رکن، تشکیلات یا سمتی در شرکتها و اتحادیه‌های تعاونی نیازمند وجود مأخذ و مبنای قانون است. در حقیقت همین عنصر قانون است که اقدامات و تصمیمات را اعتبار بخشیده و آثار حقوقی را بر آنها بار می‌کند.

اینکه مجمع عمومی، بالاترین رکن اتخاذ تصمیم است، دلیلی برای اعتبار تصمیمات آن نمی‌باشد. بلکه مجامع عمومی صرفاً بایستی در محدوده قانون گام بردارند. به عنوان مثال چنانچه مجمعی تصویب نماید که مدت تصدی سمت بازرسی، دو سال مالی باشد، چنین مصوبه‌ای را نمی‌توان دارای اعتبار دانست

از دست داده و دیگر دلیلی برای برخورداری از مزایای مذکور وجود نخواهد داشت. بر همین اساس با مراجعه به قانون بخش تعاونی و سایر قوانین مرتبط از جمله قوانین بودجه سنواتی، قوانین و مقررات مالیاتی، قوانین مربوط به برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و... می‌توان مزایای بخش تعاونی را شناسایی نمود. البته اینکه چگونه مزایای یاد شده قابل سلب و بازپس‌گیری است، خود نیازمند مقررات، تفهیمات و ساز و کارهای مناسب در این رابطه می‌باشد. از سوی دیگر بسیاری از مزایای بخش تعاونی توسط دستگاهها و سازمانهای دیگر اعطا می‌گردد و مسئول آنها وزارت تعاون نیست تا از طریق بند ۲۹ ماده ۶۶ (و بدون وجود مقررات تکمیلی دیگر) قابل سلب باشند. بنابراین بایستی میان وزارت مذکور و سایر دستگاهها و مراجع هماهنگیهای لازم بین به وجود آید.

■ پرسش: با توجه به این که ماده ۲۹ قانون بخش تعاونی مقرر داشته: «افزودن امور تعاونی طبق اساسنامه بر عهده هیأت مدیره‌ای مرکب از حداقل سه نفر و حداکثر هفت نفر عضو اصلی و تا یک سوم اعضاء اصلی علی‌البدل می‌باشد» و بر همین اساس، اعضا علی‌البدل نیز جزء اداره‌کنندگان شرکت ذکر گردیده‌اند، آیا می‌توان اداره برخی از امور شرکت را به طور همزمان به آنها تفویض نمود؟

○ پاسخ: جمله صدر ماده ۲۹ قانون بخش تعاونی، صرفاً یک تسامح در عبارت‌پردازی است و نمی‌توان آن را مجوزی برای تفویض اختیار همزمان به عضو علی‌البدل دانست زیرا اساساً علی‌البدل به شخصی اطلاق می‌شود که عضو اصلی شده و به جای او انجام وظیفه می‌کند. در این رابطه توجه به تبصره ۴ ماده ۲۶ قانون ضروری است که مطابق آن، تصدی سمت هیأت مدیره به وسیله عضو علی‌البدل زمانی مجاز می‌گردد که یکی از موجبات استعفاء، فوت، ممنوعیت قانونی و یا غیبت غیرموجه مکرر برای هیأت مدیره اصلی حادث شود. ●

قید دستور جلسه در آگهی دعوت که در ماده ۲۷ قانون شرکتهای تعاونی مصوب سال ۱۳۸۰ و ماده ۲ آئین‌نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی (موضوع تبصره ۳ ماده ۳۳ قانون بخش تعاونی) و نیز در ماده ۱۰۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ مورد تصریح قرار گرفته، مبتنی بر همین فلسفه است. سؤالی که در اینجا پیش می‌آید آن است که چنانچه در مجمع عمومی فوق‌العاده یاد شده، همه اعضا تعاونی حضور داشته باشند، آیا امکان عزل هیأت مدیره وجود دارد؟

○ پاسخ: به نظر می‌رسد در چنین حالتی (با توجه به اینکه اساساً ارائه مدارک مربوط به نشر آگهی و تشریفات دعوت الزامی نیست و حقوق اطلاعی اعضا نیز زایل نمی‌گردد)، تصمیم‌گیری نسبت به عزل هیأت مدیره امکانپذیر باشد.

■ پرسش: مراد قانونگذار در بند ۲۹ ماده ۶۶ قانون بخش تعاونی از «سلب مزایا» چیست و به چه صورت می‌توان آن را اعمال نمود؟

○ پاسخ: متأسفانه قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، این موضوع را مانند بسیاری موضوعات دیگر قانون به سکوت و ابهام برگزار نموده و در حال حاضر علاوه بر نامشخص بودن مدلول و مصادیق واژه «مزایا»، چگونگی اعمال سلب مزایا نیز در برده ابهام قرار دارد. همچنین در این قانون معین نگردیده است که چه مواردی از نقض قوانین و مقررات و به چه میزان موجب سلب مزایا خواهد شد. در این رابطه شایسته است مقصد با وضع مقررات مربوطه، ضمن رفع ابهام، تسهیل لازم‌الاجرا نیز پیش‌بینی نماید تا علاوه بر اجتناب از عملیاتی شدن بند مذکور، از اقدامات و برخوردهای سلیقه‌ای جلوگیری شود.

علی‌الاحال به نظر نگارنده، عموم و اطلاق واژه «مزایا» شامل کلیه امتیازات، حمایتها، تسهیلات، اعتبارات و معافیتهایی می‌شود که به سبب «تعاونی بودن» به شرکتهای اعطا می‌گردد و چنانچه یک تعاونی برخلاف قوانین و مقررات عمل نماید این وجه رجحان و مزیت را

رسیدگی به موضوعات مورد نظر و اتخاذ تصمیم لازم دعوت نماید».

■ پرسش: سؤالات زیر توسط کارشناسان ادارات تابعه مطرح گردیده که با ذکر هر مورد به پاسخگویی آنها می‌پردازیم:

۱- چنانچه افرادی قبلاً عضو هیأت مدیره بوده و قصد تصدی مجدد سمت مذکور را داشته باشند، آیا برای کاندیداتوری آنها نیاز به احراز صلاحیت مجدد وجود دارد؟

○ پاسخ: با توجه به اینکه خصوصیات و ویژگیهای اعضای هیأت مدیره، ممکن است در طول زمان و با تغییرات موجباتی زائل شود و در همه حال نیز چنین نیست که افراد مذکور شرایط خود را حفظ نمایند، به عنوان مثال ممکن است فردی ممنوعیت قانونی پیدا نموده یا محجور گردیده و یا حکم محکومیت قطعی او به یکی از جرائم مندرج در بند ۶ ماده ۳۸ قانون بخش تعاونی صادر گردیده باشد، بنابراین برای هر بار انتخاب نسبتی صلاحیت کاندیدها مجدداً احراز

■ پرسش: در صورتی که مجمع عمومی فوق‌العاده شرکتهای تعاونی تقاضای بازرس (براساس ماده ۲۳ قانون بخش تعاونی) و با دستور جلسه «استماع گزارش بازرس درخصوص عملکرد هیأت مدیره» تشکیل شود، آیا همزمان می‌توان نسبت به عزل هیأت مدیره نیز اقدام نمود؟

○ پاسخ: در خصوص تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده ماده ۴۲ قانون بخش تعاونی، (موضوع رسیدگی به گزارش بازرس در مورد تخلفات هیأت مدیره) هرچند ممکن است نتیجه چنین مجمعی توافقی اعضا بر برکناری هیأت مدیره باشد، اما بایستی تصمیمات مجمع با دستور جلسه مندرج در آگهی دعوت هماهنگ بوده و حقوق اطلاعی اعضا در این مورد حفظ شود. به عبارت دیگر، این حق اعضا تعاونی است که بدانند مجمع عمومی (در شرف برگزاری)، چه موضوعاتی را در دست اقدام دارد تا چنانچه تمایل به شرکت در مجمع مذکور دارند بتوانند حق خود را اعمال کنند. بدیهی است ضرورت

اینترنتی به منظور امکان دست‌یابی همزمان به خدمات قابل عرضه توسط شرکتهای به‌عنوان مثال شرکت تعاونی حکیم طب طوس و سلامت‌جو.

* تلاش و پیگیری‌های مستمر در جهت کاهش نرخ کارمزد تسهیلات بانکی در خصوص خدمات بهداشتی درمانی در بخش‌های تعاونی و خصوصی و طرح موضوع در جلسه شورای پول و اعتبار شورای اقتصاد.

* بررسی مقالات و ترجمه متون و گردهماییها مربوط به تعاونیهای بهداشتی درمانی و پژوهش راهکارهای کسب موفقیت و افزایش بهره‌وری و مدیریت کیفیت و ارائه دستاوردهای جدید در راستای ارتقاء توانمندیهای این نوع از تعاونیها.

از دیگر اقدامات دفتر تعاونیهای خدمات وزارت تعاون که مرتبط با موضوع فعالیت شرکتهای تعاونی خدمات بهداشتی درمانی می‌باشد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- مکاتبات متعدد با سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران در خصوص حصول زمینه‌های مشترک همکاری.

- اظهار نظر در خصوص پیش‌نویس لوایح و آیین‌نامه‌های مطرح شده در جلسات هیأت محترم دولت مرتبط با بخش بهداشت و درمان و مسائل بهداشتی درمانی.

- تهیه و تنظیم بخش‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و فرم‌های نظام نظارتی به استانها جهت ابلاغ به تعاونیهای خدمات بهداشتی درمانی.

- جمع‌آوری و ابلاغ مصوبات هیأت محترم دولت و موارد مرتبط با قانون برنامه سوم توسعه به استانها و تعاونیهای مرتبط بهداشتی درمانی.

- بررسی و کارشناسی پرونده اعتباری شرکتهای تعاونی خدمات بهداشتی درمانی از محل تبصره‌های بودجه سنواتی کشور.

- کوشش و تلاش مستمر در جهت اقدام به تطویل مدت بازپرداخت تسهیلات اعتباری مأخوذه توسط بعضی از شرکتهای تعاونی خدمات بهداشتی درمانی که به

دلایلی با مشکل بازپرداخت تسهیلات مواجه بوده‌اند از طریق شورای عالی اشتغال و... به عنوان مثال شرکت تعاونی ۱۶۷ اسلام آباد غرب، بیستون کرمانشاه و شقای کویر یزد)

- مشارکت در تهیه و تنظیم نظام نظارتی شرکتهای تعاونی خدمات بهداشتی درمانی و بازدید از این تعاونیها و اقدام جهت رفع مشکلات آنها

- اطلاع‌رسانی به شرکتهای تعاونی بهداشتی درمانی کشور در رابطه با برگزاری نمایشگاههای تخصصی و کنگره‌های

پزشکی و بهداشتی و همایش‌های مرتبط تخصصی.

- نظارت و بازدید از شرکتهای تعاونی فرااستانی در راستای اجرای برنامه نظام نظارتی و بررسی مسائل و مشکلات آنها.

- شرکت فعال و مستمر در مجامع عمومی عادی، سالیانه و فوق‌العاده شرکتهای تعاونی خدمات بهداشتی و درمانی.

- مکاتبه با نهادها، سازمانها و ارگانهای مرتبط در رابطه با مسائل و مشکلات شرکتهای تعاونی خدمات بهداشتی درمانی.

- ایجاد ارتباط قوی و تنگاتنگ با اتاق تعاون به منظور هماهنگی برای تشکیل جلسات شوراهای نشست‌های جهانی مرتبط با تعاونیهای بهداشتی درمانی.

- ارتباط مستمر با واحدهای ذیربط در رابطه با برگزاری نمایشگاههای تخصصی داخلی و خارجی مرتبط با فعالیت تعاونیهای بهداشتی درمانی.

- راهنمایی و اطلاع‌رسانی در رابطه با شرکتهای تعاونی متقاضی دریافت تسهیلات اعتباری.

- برگزاری جلسات و مکاتبات متعدد با مسؤولان محترم سازمان تأمین اجتماعی جهت بدست آوردن تفاهات لازم در خصوص قرارداد و همکاری با شرکتهای تعاونی بهداشتی درمان.

پیشنهادات و راهکارهای اجرایی

- توجه بیشتر به مقوله آموزش و تربیت مدیران و کارکنان شرکتهای تعاونی خدمات بهداشتی درمانی
- توجه و اهمیت به مقوله تحقیق و

پژوهش در این تعاونیها
- کاهش میزان نرخ سود تسهیلات تکلیفی و بانکی و لحاظ داشتن دوره مناسب جهت بازپرداخت و شروع اقساط تسهیلات پرداختی.

- لزوم برقراری معافیت‌های مالیاتی جهت شرکتهای تعاونی خدمات بهداشتی درمانی.

- توجه بیشتر به اهمیت اتحادیه‌های استانی سراسری و لزوم لحاظ نمودن آنها در تصمیم‌گیری‌های کلان بهداشتی درمانی.

- ارتباط تنگاتنگ و قویتر نمایندگان ادارات کل تعاون و دانشگاههای علوم پزشکی جهت تسریع در اجرای تفاهنامه‌ها.

- ضرورت در نظر داشتن سهمیه مناسب جهت اینگونه تعاونیها در رابطه با واردات تجهیزات پزشکی و وسایل مورد نیاز.

- ارتباط بیشتر این تعاونیها از طریق راه‌اندازی Web site مخصوص تعاونیهای خدمات بهداشتی درمانی و اولویت تعاونیها نسبت به بخش خصوصی توسط سازمانها، ادارات و نهادها

- ایجاد آگاهی در بین عامه مردم درباره بهزیستی خانواده، مراقبتهای بهداشتی، طب پیشگیری درمانی و غیره...

- ارائه خدمات درمانی تخصصی و گسترش حوزه خدمات با گسترش کیفیت برتر

- شرکت در سمینارهای آموزشی، کارگاهها و همایش‌های موضوعی در رابطه با فعالیت شرکتهای تعاونی خدمات بهداشتی درمانی.

- کاهش تعرفه‌های آب و برق و غیره در واحدهای تحت پوشش تعاونی همانند بیمارستانهای دولتی.

- اطلاع‌رسانی و شناسایی شرکتهای تعاونی خدمات بهداشتی درمانی موفق از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی و صدا و سیما.

- ارتباط عمیق‌تر بین وزارتین بهداشت درمان و آموزش پزشکی و وزارت تعاون و تشکیل کمیته بازرنگری آیین‌نامه‌ها و مقررات در جهت رفع ابهامات موجود در تفاهم نامه.

جدول تعداد و نام اتحادیه‌های تعاونیهای بهداشتی درمانی
استانی و وضعیت فعالیت آنها

ردیف	نام استان	نام اتحادیه	وضعیت فعالیت
۱	خراسان	اتحادیه شرکتهای تعاونی خدمات بهداشتی درمانی استان خراسان	فعال
۲	اصفهان	اتحادیه شرکتهای تعاونی خدمات بهداشتی درمانی استان اصفهان	فعال
۳	تهران	اتحادیه شرکتهای تعاونی خدمات بهداشتی درمانی استان تهران	فعال
۴	آذربایجان شرقی	اتحادیه شرکتهای تعاونی خدمات بهداشتی درمانی استان آذربایجان شرقی	فعال
۵	گیلان	اتحادیه شرکتهای تعاونی خدمات بهداشتی درمانی استان گیلان	در شرف تأسیس
۶	فارس	اتحادیه شرکتهای تعاونی خدمات بهداشتی درمانی استان فارس	در شرف تأسیس
۷	اردبیل	اتحادیه شرکتهای تعاونی خدمات بهداشتی درمانی استان اردبیل	در شرف تأسیس



جدول شرکتهای تعاونی خدمات بهداشتی درمانی تأسیس شده از ابتدا تا پایان
۸۱/۱۲/۲۹ (ارقام سرمایه به هزار ریال)

ردیف	نام استان	تعداد تعاونی	سرمایه	تعداد اعضا	کل اشتغال
۱	۱. شرقی	۵۳	۳/۸۸۴/۵۱۹	۷۰۳	۱۱۴۸
۲	۱. غربی	۲۲	۱/۱۹۰/۸۰۰	۲۲۶	۳۲۴
۳	اردبیل	۲۰	۳۰۸/۴۰۰	۲۱۳	۴۴۹
۴	اصفهان	۳۴	۲/۲۶۱/۸۸۹	۱۶۴۰	۱۸۹۰
۵	ایلام	۳	۳۸/۱۰۰	۴۴	۶۴
۶	بوشهر	۱۲	۲۲۸/۰۰۰	۱۰۹	۱۲۷
۷	تهران	۱۳۱	۷/۴۹۳/۹۳۰	۲۰۵۹	۲۹۷۷
۸	چهارمحال و بختیاری	۶	۱۵۰/۰۰۰	۵۱	۷۷
۹	خراسان	۵۷	۱/۶۳۰/۹۰۰	۵۸۱	۶۹۳
۱۰	خوزستان	۱۱	۱/۶۶۶/۰۰۰	۲۵۱	۲۹۷
۱۱	زنجان	۱۲	۲۴۵/۷۰۰	۹۴	۱۳۴
۱۲	سمنان	۷	۶۱۴/۰۰۰	۱۲۸	۱۳۳
۱۳	سمنان و بلوچستان	۲۴	۱۰/۴۸۰/۳۰۰	۳۳۹	۳۷۴
۱۴	فارس	۵۸	۱۰/۳۵۸/۱۰۶	۱۱۳۰	۹۷۸
۱۵	فرااستانی	۳	۲/۲۳۹/۷۵۶	۱۳۵۸	۱۷۶۵
۱۶	قزوین	۱۰	۱۶۵/۵۰۰	۸۴	۲۶۹
۱۷	قم	۶	۳۵۵/۷۵۰	۸۳	۵۸
۱۸	کردستان	۱۳	۱۸۲/۶۵۰	۱۰۸	۱۴۳
۱۹	کهگیلویه و بویراحمد	۱۱	۵۱۳/۱۵۰	۹۱	۱۵۹
۲۰	کرمانشاه	۳۵	۷۶۸/۲۰۰	۳۲۵	۹۵۳
۲۱	کرمان	۳۸	۸۷۱/۶۴۲	۷۱۱	۶۷۵
۲۲	گلستان	۱۳	۲۹۴/۶۲۰	۱۹۲	۱۶۸
۲۳	گیلان	۲۵	۷۲۷/۸۰۰	۵۲۵	۵۴۷
۲۴	لرستان	۲۶	۹۹۷/۸۵۰	۲۸۳	۴۳۲
۲۵	مازندران	۴۶	۱۰/۴۳/۵۲۵	۷۵۱	۸۴۱
۲۶	مرکزی	۲۲	۸۱۲/۳۰۰	۲۴۵	۱۲۴
۲۷	هرمزگان	۱۴	۲۵۴/۷۰۰	۲۶۴	۲۶۰
۲۸	همدان	۹	۲۵۰/۳۳۰	۹۲	۱۳۱
۲۹	یزد	۱۱	۱/۳۵۶/۴۰۰	۳۲۴	۱۷۸
	جمع کشور	۷۳۲	۵۱/۲۸۴/۷۰۶	۱۲/۹۹۴	۱۶/۲۵۸



عضویت نمایندگانی از وزارت تعاون در سازمانهای بیمه و سازمان نظام پزشکی کشور.

به امید موفقیت بیش از پیش تعاونیهای بهداشتی درمانی و نبل به اهداف متعالی بخش تعاون چه در زمینه افزایش روح همکاری و چه در زمینه تأمین حفظ و ارتقاء سطح بهداشت جامعه.